

بسم الله الرحمن الرحيم

## مهمترین مسائل و چالش های فرهنگی کشور

### از منظر دبیر شورای انقلاب فرهنگی

اشاره:

حجت الاسلام سید سعیدرضا عاملی دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی طی سخنانی پیرامون مهمترین مسائل و چالش های فرهنگی کشور، به تبیین شرایط فرهنگی کشور پرداخته و به سوالات زیادی در این زمینه پاسخ داده است که تا حد زیادی می تواند پاسخگوی برخی از پرسش ها و دغدغه های فرهنگی شما فرهیختگان گرامی نیز باشد. از این رو، این شماره از نشریه بصائر علمی را به اظهارات ایشان اختصاص داده ایم که امید است مورد استفاده علاقه مندان قرار گیرد:

به عنوان اولین سوال لطفاً بفرمایید کشورمان از لحاظ فرهنگی در چه شرایطی قرار دارد؟

پرسش مهم و سهل و ممتنع است. به نظر من هم اکنون مهمترین مشکل، مشکل بینش در شرایط فرهنگی جامعه است. این مشکل بینش در مواردی تبدیل به سیاستها و برنامه ها و اقداماتی می شود که بازخورد آن را شاهد هستیم.

بنده فکر می کنم اگر به شرایط نگاه واقع بینانه ای داشته باشیم باید بینیم با چه تغییرات فرهنگی مواجه هستیم که رفتار فرهنگی امروز مردم را و ان قشری که در مسیر اصیل انقلاب و استقرار جامعه اسلامی حرکت نمی کنند، شاهدیم؟ واقعا چه اتفاقی افتاده است؟ آن چه که در وهله اول می توان روی آن تاکید کرد این که ما از جامعه بودن افتاده ایم! باید توجه داشت که جامعه در بستر جغرافیایی و نظام حکمرانی و سازوکارهای اجتماعی - که وجود دارد- معنا پیدا می کند ولی اگر با ظهور و بروز اینترنت و .... زندگی در فضای دوم شکل گرفت، طبیعتا جامعه از آن چارچوب خود خارج می شود.

### **تاثیر فضای مجازی بر فرهنگ جامعه را چگونه ارزیابی می کنید؟**

به تعبیر من - که از ۱۸ سال پیش در این حوزه می نویسم و می گویم - ایران با دو فضای شدن مسیر زندگی مواجه شده است. این دو فضایی شدن معنایش این است که فضای فیزیکی چسبیده به جغرافیاست و تابع قانون اساسی کشور است. مرز دارد و ظرفیتهای نهادی دارد که

تبعیت خواهد کرد. قانونگذار و مجلس دارد و هزار و یک امکانات موجود دیگر، به ما امکان مدیریت فضای فیزیکی و جغرافیایی دارد. اما وقتی به فضای دوم می رویم، فضایی است که از طریق یکایک ما به همه و از همه به یکایک ما دسترسی ایجاد می کند به عبارتی، یک رابطه یکی با همه و یکی با یکی و همه با همه به وجود می آید و با یک تعبیر فنی تر این که در این محیط همه کاربران - یعنی نزدیک به ۴ و نیم میلیارد کاربر - منبع انتقال پیام هستند. کاربران فعالند، کنشگرند و مرتب تولید می کنند. البته باید توجه داشت که گفتمان حاکم در فضای مجازی یک گفتمان غربی است. گفتمان امریکاست و تسلط نظام فکری غربی به این موضوع وجود دارد. به عبارت دیگر، اساسا در آنجا یک فرهنگ غربی است و شما ببینید که ۱۰ پرتال اول جهان مثل گوگل، یوتیوب، ان اس ان و ایندیوی قدرتشان چگونه است؟ گوگل با ۱۰۰ هزار دلار سرمایه گذاری راه اندازی شده است و امروز ارزش سرمایه آن بالغ بر یک تریلیون و ۴۰۰ میلیارد دلار است. درآمد سال گذشته گوگل ۴ یا ۵ برابر درآمد ارزی ایران نزدیک به ۱۴۴ میلیارد دلار بوده است. اساس کار گوگل هم این است که ۶۵ درصد جستجوگران در سرچ گوگل بازی می کنند. گوگل نیوز به صورت لحظه ای اخبار سه هزار خبرگزاری جهان را ویرایش می کند.

فیس بوک هم نزدیک به دو میلیارد و ۴۰۰ میلیون کاربر پیدا کرده است. براساس آمار موجود، بیش از ۲۰ میلیون نفر کاربر ایرانی در فیس بوک حضور دارند. بنابراین می توان گفت که ما از یک جای دیگری مدیریت می شویم. فرهنگ جامعه مدیریتی می شود. می توان این گونه گفت که فرهنگ مکانی و مبنا و فرهنگ فضا محور پیدا کرده ایم. رفتارهای بد اجتماعی، ناهنجاری های اجتماعی را می بینیم و سیلی اش را در گوش همدیگر می زنیم و می گوئیم تو مسئولی و فرد دیگری سیلی در گوش دیگری می زند می گوید شما خود مسئولید.

از طرفی باید توجه داشت که انسان خود بینش دارد. ذهنیت دارد و با ذهنیت خود رفتار می کند و عمل فرهنگی دارد.

### **تا چه اندازه نهادهای فرهنگی در این زمینه مقصر هستند؟**

ما اگر خودمان بودیم می توانستیم به تنهایی خود را ملامت کنیم و دستگاه های مجری این حوزه را ملامت کنیم و بگوئیم که کار نکردید ولی حرفم بر این است که نهادهایی مانند شورای انقلاب فرهنگی و صداوسیما و نهادهایی که مسئولیت اساسی نسبت به فرهنگ دارند مقصر نیستند. بلکه در جای خود نسبت به اصلاح رویه آنها باید صحبت شود.

نکته دیگری که به نظر من خیلی اهمیت دارد این که وقتی فرهنگ را نگاه می کنیم در فرهنگ چه چیزی می بینیم؟ می دانیم که فرهنگ ساخته شده آدمها و ارتباطات انسانی و ارتباطات اجتماعی است. فرهنگ نویسان از قدیم تعبیری داشته اند و به اقتضای زمان تعبیرشان را عوض کردند مبنی بر این که فرهنگ مجموعه ای از ارزشها و اصول و سنتها بوده که خیلی دور از معنایی است که امروز در فرهنگ ما وجود دارد. فرهنگ بخش خاص مسیر زندگی است.

گروهی از فرهنگ شناسان مانند ویلیامز و مکاتب جدید گفته اند که فرهنگ یعنی مسیر زندگی و فکر می کنم رهبر انقلاب نگاهشان به فرهنگ همین تعبیری است که من عرض می کن. یعنی فرهنگ مسیر خاصی از زندگی است و ایشان سبک زندگی را محورهای اصلی صحبت هایشان در چند سال اخیر گذاشته اند.

### **اگر فرهنگ را مسیر خاص زندگی بدانیم حال باید پرسید که فرهنگ چیست؟**

فرهنگ تعبیر خیلی کوچک شده اش طرح های زندگی است. شما حتما با واژه اسکیمو در انگلیسی مواجه هستید در فارسی به طرح واره ترجمه کردیم و یک سری طرحواره درباره روحانیت، روشنفکران و مشاغل اجتماعی و طبقات اجتماعی و اقوام و ... وجود دارد. جامعه ای که رفتارش طرح واره ای است اساسا جامعه ای متفکر نیست یعنی به این معنا که دو نوع

ارتباطات لحظه ای که منشا آن طرح واره هاست و ارتباطات تدبیری و تاخیری که منشا آن تفکر است.

من امارها را می خوانم تا ببینید که جامعه ما چقدر مطالعه می کنند؟ چقدر حوصله مطالعه دارند؟ جامعه ما خیلی کم حوصله هستند و کتاب خیلی کم می خوانند.

همین که آدم ها کتاب کم می خوانند و تولیدات رسانه ای سینما را برتئاتر ترجیح می دهند. حوصله تئاتر را ندارند یا مثلا ژانرهای هیجانی را نسبت به ژانرهای معقول تر، توجه می کنند، نشان می دهد بخش قابل توجهی از جامعه در عرصه طرح واره های زندگی است البته برخی از کارشناسان از طرح واره های زندگی معنای بزرگتری تولید می کنند می گویند جامعه یک الگوی فرهنگی دارد.

بنابراین اگر فرهنگ به منشا ذهن بدانیم و جزو عنصر شناختی تلقی کنیم یک الگوی فرهنگی در ذهن است. از نظر من بزرگترین خسارتی که مردم جامعه ما می بینند به خاطر الگوی فرهنگی آن است و الگوی فرهنگی جامعه تحت تاثیر الگوی فرهنگی غرب است. مثلا نسل انقلاب را ببینید! نسل انقلاب الگوی انقلاب اسلامی را در ذهن خود دارد. گرچه جزئیات ندارد! مثلا وقتی در شورای انقلاب فرهنگی یک محور هدفی از ارزشهای انقلاب اسلامی

برای تامین جهش تولید مطرح می کنیم تک تک اعضا نگاه چپ چپ به ما می کنند که این حرف یعنی چه؟ چرا حرف کلی می زنید؟ ارزش انقلاب اسلامی را یک مقدار محسوس و ملموس کنید تا ببینید در جهش تولید چه تاثیری بگذارد. ما وارد جزئیات نشده ایم و نیامده ایم ارزشهای انقلاب اسلامی را از دو اصل استخراج کنیم. می گوئیم رفع استیلا، خداوند نمی پسندد بر ما که استیلای کافر بر مومن ایجاد شود. این استیلا منع شده است. استیلای مومن بر مومن هم نمی پذیرد و خداوند متعالی است و قرار نیست تعالیهای متعدد در فضای اجتماعی ایجاد کنیم. رفع استیلا را در تولید استخراج کنیم یا رفع ضرر و اذیت را؟ ببینید چقدر روایات مفصل است و استفهامی که در فقه داریم ضرر زدن به خود و دیگری نفی شده است. خوب باید همین را در نظام بروکراسی پیاده سازی کنیم. اسم آن را تولید یا ارزشهای انقلاب اسلامی نمی گذاریم ولی اگر بروکراسی زدایی کنیم یعنی رفع موانع ایدایی را برطرف کردن. در نظام بروکراسی فساد تولید می شود. هر مرحله ای که می خواهد فرد برود دو ناسزا به بانی آن می گوید که این چه سیستمی است که شما درست کردید و من صد کار انجام بدهم تا کارم را انجام بدهم.

**الگوهای فرهنگی در این زمینه چقدر تاثیر دارند؟**

بنابراین می‌خواهم بگویم الگوی فرهنگی به نظر ما باید تغییر کند. وقتی به آمارها مراجعه می‌کنیم، سن ازدواج افزایش پیدا کرده است. سن ازدواج مردان تا ۲۹ سال آمده است. براساس آخرین نظرسنجی‌هایی که شده سن ازدواج دخترخانمها به ۲۴,۵ سال رسیده است. این یک الگوی غربی است و الگوی سن ازدواج در کشور ما به الگوی کشورهای غربی نزدیک می‌شود!

درباره نرخ طلاق می‌بینیم که خوشبختانه جزو آمارهایی است که یک مقداری امیدوار کننده است. برای اینکه از سال ۹۲ تاکنون تقریباً در هزار نفر افراد در سن ازدواج ۲,۲ نفر طلاق بوده است. سال ۹۳ به ۲,۳ رسیده است. ولی روی همین ۲,۲ و ۲,۳ حرکت می‌کند و خیلی افزایش جدی نداشته است. ولی باز نرخ طلاق یعنی اینکه هر ۴ ازدواج یکی به طلاق منجر می‌شود الگوی غربی است.

درباره روابط جنسی و روابط با جنس مخالف قبل از ازدواج براساس آخرین آمارهایی که دبیرخانه استخراج کرده است اولاً ۵۵,۸ درصد اظهار می‌کنند که تجربه دوستی با جنس مخالف را قبل از ازدواج داشتند و نه رابطه جنسی ولی ۵۵,۵ درصد اظهار می‌کنند که تجربه دوستی با جنس مخالف را داشته‌اند. براساس آمار سال ۹۵، در حدود ۲۹,۸ درصد پاسخگویان



کاملاً مخالف یا مخالف با روابط قبل ازدواج هستند. این در حالی است که در سال ۹۲ و سه سال قبل از آن این نسبت ۴۱٫۳ درصد مخالف با روابط قبل ازدواج بوده‌اند. ۴۱ درصد نیز اظهار می‌کنند که با داشتن روابط دوستی قبل ازدواج کاملاً موافقند که این رقم هم نسبت به سال ۹۲ در حدود ۶ درصد افزایش داشته است.

بر اساس گزارش پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات که خردادماه پس از داستان کرونا منتشر شده است، ۸۵ درصد اظهار می‌کنند که ما به دعا و نیایش در شرایط کرونایی اعتقاد داریم. این آمار خوبی است.

لذا لزوماً امروز پس ذهن اجتماعی بخش قابل توجهی از جامعه ما -و حتی می‌خواهم بگویم- و مذهب‌یون و افراد حوزوی ما این الگوی فرهنگی غرب قرار دارد که نوع بروزش متفاوت است.

بنابراین در بحث اول و کلان خود باید اشاره کنم که جامعه ما با فرامعنا شدن فرهنگ مواجه است. نکته دوم اینکه یک سری طرح‌واره داریم که در جزئیت اثر می‌گذارد. در طرح‌واره‌ها یک تعبیری وجود دارد که تفکر لحظه‌ای اساساً تفکر نیست وقتی افراد عکس‌العملی رفتار

می کنند که ما مقصر هستیم و توانمندسازی نمی کنیم و ما دوست داریم افراد از یک معنایی تبعیت کنند.

## به نظر شما آیا تاثیر پذیری فرهنگ افزایش نیافته است؟

یک تعبیری را در مقاله ای که ۱۰ سال پیش در دانشگاه سالامونکا اسپانیا ارائه کردم درباره قدرت و بی قدرتی فرهنگ ارائه کردم. فرهنگ هم دقیقا مثل اقتصاد، قدرت و بی قدرتی دارد. همچنان که ما اقتصاد قدرتمند و اقتصاد بی قدرت یا کم قدرت داریم، فرهنگ با قدرت و بی قدرت داریم. فرهنگ وقتی بی قدرت شد تاثیر پذیری اش بالا می رود. در چه حالتی فرهنگ بی قدرت می شود؟ دو بنیان دارد و براساس یک اندیشه اسرائیلی می گوئیم سه بنیان پیدا می کند. بنیان اول عشق سیاسی است. نظام سیاسی اش را دوست داشته باشد اگر شهروندانی داشته باشیم که نظام سیاسی شان را دوست داشته باشند - منظور از نظام دولت نیست بلکه مجموعه نظام حکمرانی جمهوری اسلامی است - این فرهنگش قدرتمند می شود و دوم اینکه به اصطلاح کنار این عشق سیاسی به تعبیری که می شود آسانش کرد یک قدرت اقتصادی قوی پشت آن باشد. در این باره رهبر انقلاب ۱۳ سال است که کار اقتصادی می کند. ایشان در راهبرد دوم بیانیه گام دوم باز تاکید بر اقتصاد کردند و انجا اتفاقا می فرمایند که اقتصاد هدف

نیست ولی ابزاری است که بدون این ابزار نمی توانیم کاری کنیم و اگر قدرت اقتصادی نداشته باشیم حالا افراد بیرون می روند یا از بیرون و از اینجا کشورهای دنیا را قضاوت می کنند روی چه چیزی قضاوت می کنند روی شهروندی شان قضاوت می کنند می گویند حقوق شهروندی وجود دارد و روی قدرت اقتصادی تاکید دارند و عناصر قدرت فرهنگی است و وقتی که جامعه شیشه ای و شفاف می شود و با جاهای دیگر مرتبط می شود مفهومی بوجود می آورد به نام خانه و منزل که خانه جایی است که ما در آن سکونت داریم. منزل آنجایی است که ما به آن تعلق داریم. فیلم بتی محمودی دخترم هرگز را که اسرائیلی ها ساخته اند. متن آن نشان می داد که کار خود اسرائیلی ها است. وقتی فرار کرد و در مرز کردستان که پرچم امریکا را دید گفت به منزل رسیدم! بنابراین منزل آنجایی است که انسان به آن تعلق دارد. فرد در ایران زندگی می کند ولی منزلش جای دیگری است. لذا سنت های هالوین مربوط به ما نیست ولی همه هالوین را برگزار می کنند. سگ نگه داشتن در خانه و مبل خانه برای ما نیست و این منزلش جای دیگری شده است. این همان بحث الگوی فرهنگی است ولی منزلش عوض شده است.

افراد مهاجرت می کنند گاهی اوقات فیزیکی مهاجرت می کنند یعنی از این مکان به مکان دیگری مهاجرت می کنند. منزل تعلقگاهشان جمهوری اسلامی ایران است و به خاطر دلایلی

مثل درس خواندن مهاجرت کرده‌اند. مرحوم عظیم زاده یک بحثی درباره مهاجرت داشت که چرا اتفاق می‌افتد؟ بحث جاذبه و دافعه را مطرح می‌کرد و می‌گفت جاذبه‌های مقصد و دافعه‌های مبدأ که من این دلیل را نمی‌پسندم می‌گویم ترجیحات مقصد و مرجوحات مبدأ می‌تواند ترجیحاتش درس خواندن و شغل باشد دلایل مختلفی دارد لزوماً این نیست که دافعه و جاذبه منشا مهاجرت باشد. این یک نوع مهاجرت است و یک نوع دیگر مهاجرت منزل است که باید نگران این نوع مهاجرت باشیم. این که فردی اینجا زندگی کند و تعلقاتش جای دیگری باشد! شما آمارها را نگاه کنید. تمام آمارهای اجتماعی که منتشر می‌شود، تردید در صدش بالا می‌رود. مثلاً علاقه مند هستید که مهاجرت کنید؟ نمی‌دانم. این عنصر فرهنگی را دوست دارید؟ نمی‌دانم. جامعه نمی‌دانم در بعضی از عناصر این تردید تا ۵۵ درصد رسیده است و این خطرناک است.

بالاخره یک مقداری عمرم را در حوزه ارتباطات و فرهنگ جامعه گذراندم و پژوهش زیاد انجام دادم. اولین پیمایش برخط ایران انجام دادیم پژوهش‌های مدیانی و غیرملی انجام دادم از ۱۰ سال پیش این هشدار را می‌دادم که در جامعه واژه نمی‌دانم توسعه پیدا می‌کند و به جامعه مردد باید توجه کنیم.

نکته دیگر بحث جاذبه ها و دافعه ها است. خدا رحمت کند مرحوم ایت الله مطهری از جاذبه ها و دافعه ها رنج می برد. می خواهیم بگویم یک بازی را قدرت نرم دشمن با ما می کند. در این بازی اگر منطقش را متوجه نشوید لطماتش خیلی زیاد خواهد بود و بازی که خودش مرجع جاذبه ها و ما مرجع دافعه ها باشیم فشار و کشش باشد ما عامل فشار و او عامل کشش شود قطعاً حرکت می کند. اگر این عامل فشار و کشش با هم جلو بروند ان مظهر کشش و مظهر فشار بشویم موضوعات معنوی صورت می گیرد.

عنصر سوم که متعلق به ماست عنصر اسلام است. اسلام یک منشا و مبنای خیلی بزرگی برای سلامت جامعه ما است و فرهنگ اهل بیت یک تعلقگاه بزرگی است. در هیچ دینی نمی بینید این مخاطبی که ما در محرم داریم در اختیارش باشد. هیچ جایی ندارند و سرمایه بزرگی که در اختیار ما است و بسیاری از افراد به دلیل عمل برای خدا و کسب رضایت خدا و پیروی از مکتب اهل بیت علی رغم سختی هایی که دارند می گویند ما پای کار هستیم و این یک ظرفیت بزرگی است که ما می خواهیم بگویم در جامعه ای که بدحجابند یا بی حجابند و احساس می کنید مسیر دیگری می روند آنها هم در مسیر هستند و در این ظرفیت دیده می شوند. البته به شرطی که نگاه سردار سلیمانی را ما هم داشته باشیم و اینها بچه های ما هستند و دلسوزی که پدر نسبت به فرزندش دارد نسبت به این جمعیت داشته باشیم.

## آیا مرجعیت نخبگانی در کشور ضعیف شده است؟

بله، ضعیف شدن مرجعیت نخبگانی در کشور یک واقعیت است. وقتی فردی به نام تتلو به عنوان مدیریت کننده فرهنگ جامعه مطرح شده و جمعیت بزرگی را با خود می برد. این نشان می دهد فرهنگ نخبگی ضعیف شده است. کنار سایتهای بزرگ و آدمهای مرجع فکری مثل آقای عالی در سطح فرهنگی عمومی جامعه چند نفر هستند؟ چند نفر صفحه اینستاگرام آقای عالی را دارند؟ تاکیدم بر این است که فرهنگ نخبگانی ضعیف شده است. یعنی اینهایی که با هیجانهای سطحی و فرهنگی جامعه ورود پیدا کردند و مرجعیت یافتند. باید ببینیم چرا این اتفاق افتاده است؟ نباید تجربه های دنیای مسیحیت را دست کم گرفت. دنیای مسیحیت از کجا زمین خورد؟ ما این شرایط را در اتفاقا نظام روحانیت نداشتیم. نظام روحانیت یک نظام مردمی بوده و بعد از انقلاب یک مقدار مسئولیت گرفتیم و از جامعه فاصله گرفتیم. بالاخره محافظ و اسکورت و ... بوده است. اینها لطمه زده است به ان روحانیتی که همچنان در کنار مردم می بیند.

شما نماز صبح مسجد می روید خیلی اوقات می بینید مسجد بسته است و واقعا مسجدها بسته است و ۵ صبح بیرون می آیم خیلی اوقات می بینم مساجد بسته است. یا مسجد باز است

روحانی نمی آید. یک آقایی عبا روی دوشش می اندازند و نماز می خواند. آن چیزی که کلیسای کاتولیک را زمین زد، نظام اداری کاتولیک شد و مذهب اداری شد و مذهب جنبه اداری پیدا کرد و باید خیلی مراقب باشیم که نظام روحانیت به یک نظام اداری تبدیل نشود.

آخرین مطلب هم این است که سیاست های فرهنگی باید کف خیابان باشد. خیلی اوقات سیاست های فرهنگی که داریم کاملا سیاستهای بالا به پایین است. دستگاه مربوطه هم آدم حساب نمی کند و تقریباً می شود گفت که ۹۹ درصد دستورات شورای عالی انقلاب فرهنگی از دبیرخانه به شورا رفته است. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی یک سری اعضای حقوقی و یک سری اعضای حقیقی دارد همه موضوعات لایحه و مبین هستند. امسال برای دستور جلسات نامه ای به اعضای حقوقی و حقیقی زدم که دستور بدهید. برای جلسات تیر بدهید و بعد هم کار کنید.

یکی از ضعفهای نظامهای قانونگذاری در مجلس وجود دارد. ۱۲ هزار قانون مصوب در مجلس داریم. دوستان تنقیح می گفتند اکثر قوانین مجلس لوایح و طرح بوده و در مورد لایحه نبوده است.

به نظر می‌رسد که یک مقداری مردم ما از دعا خسته شدند و خستگی اجتماعی ما از دعا است. مردم از خشونت کلامی خسته شدند. می‌گویند وقتی دو نفر دعوایشان می‌شوند یک عده طرف ان و یک عده طرف این آشتی بدهند. اما وقتی هر روز دعا کنند می‌گویند رها کنید و همه اش با هم دعا دارند.

رسانه باید به سمت حل مسائل اجتماعی حرکت کند و قدرت سازگاری اجتماعی را فراهم کند. تفاوت سازش با سازگاری این است که سازش یک حرکت جاهلانه است و یک احترام بی‌محتواست ولی سازگاری از عقلانیت و خرد بیرون می‌آید. خدای متعال در قران کریم ۱۲ واژه متفاوت برای تشویق عقلانیت به کار برده است. عقل، تفکر، رای، تدبیر و حکمت اینها را گفته است.

فرمایش حضرت امیر(ع) را در ذهنمان محکم کنیم که هوای نفس باعث می‌شود عقل انسان کار نکند.

البته درباره تلو باید بگوییم که او مرجع فرهنگی جامعه نیست بلکه یکی از کسانی که است که عدد توجهی فالور پیدا کرده است. بنابراین باید تفکیک قائل شد و هر کدام در یک وزن و مورد خاصی می‌توانند کارایی داشته باشند. مثلاً پژوهشگاه فرهنگ و معارف در موضوع



کرونا از مردم نظرسنجی کرده که مرجع و منبع خبر شما در موضوع کرونا کجا بوده است؟  
۶۷,۲ درصد گفته‌اند که اخبار صداوسیما بوده است. این عدد خیلی امیدوارکننده است.  
همچنین شبکه های اجتماعی ۱۸,۶ درصد ، خبرگزاری ها و سایتهای اینترنتی ۳,۳ درصد  
بوده‌اند. شبکه های ماهواره ای هم ۲,۱ درصد بوده‌اند و روزنامه ها ۰,۳ درصد بوده‌اند. لذا  
بعضی چیزها از مرجعیت افتاده است.

درباره شاخص ها باید گفت که از اولین کارهایی که در دبیرخانه کردیم تمرکز روی شاخصها  
بوده است. مثلاً سند تحول آموزش و پرورش از ۹ سال پیش مصوب شده است. هر وزیری که  
آمده است، می گوید من کار می کنم. اما وقتی از او پرسیده شود که چند درصد سند اجرا  
شده است؟ نمی تواند بگوید! خوشبختانه در ستاد نقش جامع کشور و در حوزه علم هم که  
شاخص نداریم امسال برنامه شورای عالی انقلاب فرهنگی بر این است که در این مقوله تدوین  
شاخص داشته باشیم.

در ستاد راهبردی مهندسی فرهنگی - که سال گذشته تشکیل و سند آن هم در زمان احمدی  
نژاد سال ۹۱ و هم در زمان روحانی سال ۹۳ تصویب شده است- از سال ۹۲ ستاد راهبردی  
تشکیل نشده بود و این ستاد باید به ریاست رئیس جمهور و معاون اول باشد. چند بار تلاش

کردیم رئیس جمهور تشکیل دهد، سرانجام با ریاست معاون اول برگزار شده و تاکنون ۵ جلسه داشته و مصوبات عالی هم داشته است.

از طرفی، از سوی دولت پیوست فرهنگی به دستگاه‌ها ابلاغ نشده است. ما نمی‌دانیم که دستگاه‌های کشور درباره پیوست فرهنگی چه کار کرده‌اند.

هرچه نگاه می‌کنیم می‌بینیم که مباحث شاخص‌های فرهنگی در فرهنگ و اقتصاد و سیاست روی هواست! یک سری چیزهایی برای آن درست کردند. دو سه نسخه اولیه از شاخص‌های فرهنگی را استخراج کردیم که اینها مبنای اندازه‌گیری شود. حتی در سند تحول آموزش و پرورش باز با شورا فعال کردیم و جلسه دوم برگزار شد که خودم هم اداره می‌کنم. در دومین جلسه گفتیم شاخصها باید تصویب شود و معیار اندازه‌گیری داشته باشیم که جلو برویم.

روز گذشته در جمع نمایندگان استان گلستان که به دبیرخانه آمده بودند گفتم که باید برای ارتقای جایگاه شورای انقلاب فرهنگی تلاش کنید. زیرا موقعیت خود را در جامعه از دست داده است.

باید توجه داشت که روسای جمهوری - به استثنای رهبر انقلاب - فرهنگی نبودند و رهبر انقلاب فرهنگی ترین شخصیت انقلاب بوده که هنوز هم این مسیر را ادامه می‌دهد. جلسات

شورای انقلاب فرهنگی را نگاه کنید یک معیار است. زمان ایشان ۴۰ جلسه در سال داشته‌ایم و واقعا ایشان برای برگزاری جلسات پای کار بوده‌اند. اما الان ما آن زمینه را نداریم. من بسیار اذیت می‌شوم تا بتوانم یک جلسه برگزار کنم. جلسات اخیر هم به سختی تشکیل شد. رئیس جمهور می‌گفت کرونا است و یک عده را مجازی می‌کنیم و ایشان چند بار استمزاج و رفت و شد تا این دو جلسه اخیر برگزار شده است. نزدیک به ۱۰ نفر به صورت مجازی حضور دارند و ۲۷ و ۲۸ نفر در جلسه هستند.

### **رهبر انقلاب به حوزه فرهنگی و تاثیرگذاری حوزه فرهنگ اعتقاد داشتند.**

در جلسه قبل شورای انقلاب فرهنگی موضوع جهش تولید را مطرح کردیم و مبانی فرهنگی برای آن ذکر کردیم. واقعیت این است که شورای انقلاب فرهنگی اگر ضعیف شده یکی از دلایل رسانه‌های ما بوده‌اند. به نظرم اگر ما رتبه ۱۶ جهان را در تولید علم داریم مدیون مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی هستیم.

سازمان صدا و سیما باید با ما همراه باشد. رسانه ملی باید نه با سعید عامری با این میراث انقلاب همراه باشد ولی تضعیف شده است. چقدر درباره شورای عالی انقلاب فرهنگی برنامه‌سازی کرده‌ایم؟ ما که بودجه ندارم. درباره سند ۲۰۳۰ هم باید گفت که عنوان آن توسعه پایدار

است. سند توسعه پایدار که در سطح بین المللی دنبال می شود. توسعه پایدار هم به یک معنایی هم تجربه های توسعه صنعتی است و هم بحران های فرهنگی که این سند را به وجود آورد.

طرح جامع برای توسعه پایدار دارند. ما متأسفانه چیزی نداریم. ما بحثمان این است که باید به سراغ سیاست گذاری های موثر برویم. سیاست گذاری های موثر همین تصویری که شما می بینید در حوزه فرهنگ است.